

## نقش سادات مهاجر حضرمی در امور سیاسی، دینی، علمی و فرهنگی کوچگاه‌ها؛ مطالعه موردی: شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا (قرون ۱۴ - ۱۰ ق)

محمد عباسی\* / جمشید نوروزی\*\*

### چکیده

سادات حضرمی منتسب به ناحیه حضرموت یمن، متشکل از خاندان‌های بزرگ و معروفی چون باعلوی، بافقیه، بلفقیه، سقاف و باطاها، بیشتر جزو طبقات علما، تجار و صوفیان بودند، برای مدت‌ها در تریم از شهرهای مهم حضرموت زندگی می‌کردند. از اواخر قرن ششم هجری، شماری از این سادات به مناطق مختلف شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا مهاجرت کردند. این خاندان شافعی مذهب، همواره می‌کوشیدند اسلام و به ویژه مذهب خویش را در آن مناطق تبلیغ و ترویج کنند. بعضی از سلاطین و حکام مسلمان این نواحی نیز، از این گروه از سادات استقبال کرده و برخی مناصب مهم سیاسی و نظامی را در اختیار آنان گذاشتند. همچنین سادات حضرمی در دیگر عرصه‌ها، چون تصوف و حوزه‌های علمی و فرهنگی نیز تلاش کرده‌اند. آنها افزون بر تاسیس طریقت‌های صوفیانه، کتاب‌هایی در حوزه‌هایی مانند فرهنگ نویسی، تراجم نویسی و پزشکی به زبان‌های مختلف مانند عربی و اردو تالیف کرده‌اند. این مقاله، با روش توصیفی و تحلیلی، درصدد پاسخ به این پرسش است که سادات حضرمی به چه مناطقی شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا مهاجرت کرده و چه نقشی در حوزه‌های دینی، سیاسی، علمی و فرهنگی این مناطق داشته‌اند؟

### واژگان کلیدی

سادات حضرمی، حضرموت یمن، تریم، اقیانوس هند، شبه قاره هند، جنوب شرق آسیا.

mohamad.abbasi1363@gmail.com

njamshid1346@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

\*. عضو هیئت علمی بنیاد دایره المعارف اسلامی.

\*\* دانشیار دانشگاه پیام نور.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۱

### طرح مسئله

در اغلب دوره‌های تاریخی، شمار قابل‌توجهی از سادات مستقر در مناطق مختلف جهان، از گروه‌های فعال، پرنفوذ و قابل احترام به شمار می‌آمده‌اند. سادات علاوه بر اینکه نزد حکام و سلاطین از احترام خاصی برخوردار بودند، میان عامه مردم نیز ارج و قرب بالایی داشتند. همچنین گروه‌هایی از سادات در شئون مختلف تمدن اسلامی چون امور حکومتی، فرهنگی، ادبی و هنری به ایفای نقش پرداخته‌اند. سادات حضرمی یکی از گروه‌های مهم و مشهور در جهان اسلام هستند که منسوب به حضرموت یمن در شبه جزیره عربستان می‌باشند. از آنجایی که تمامی ساکنان ناحیه حضرموت، با نسبت حضرمی خوانده می‌شدند، سادات این منطقه نیز به سادات حضرمی مشهور شده‌اند. با گذر زمان، سادات حضرمی از نواحی مختلف ولایت حضرموت به شهر تَریم - واقع در دهانه وادی حضرموت و یکی از مهم‌ترین شهرهای حضرموت - نقل مکان کردند. به این ترتیب، شهر تَریم به یکی از مراکز اصلی سکونت سادات حضرمی تبدیل شد.

سادات حضرمی، اصل و نسب خود را از طریق احمد بن عیسی بن محمد بن علی علوی، نواده امام جعفر صادق علیه السلام معروف به مهاجر، به حضرت علی علیه السلام می‌رسانند. احمد بن عیسی تا ۳۱۷ ق، در بصره می‌زیست تا اینکه این سرزمین را به قصد مکه ترک گفت. اقامت احمد در مکه، به دلیل حضور قرامطه در این شهر به درازا نینجامید و ناچار شد در ۳۱۸ ق پس از ادای حج، به یمن مهاجرت نماید. وی، در سرزمین هجرین سکنی گزید و در روستای حُسیسه به ترویج مذهب شافعی پرداخت. او، اباضیان آنجا را از میان برداشت و سرانجام، در ۳۴۵ ق در همان جا درگذشت.

اعضای خاندان احمد بن عیسی، بعدها به دیگر نواحی یمن به ویژه تَریم که مرکز اصلی سادات بود مهاجرت کردند. گزارش‌هایی از حضور این خاندان پرنفوذ در شهر تَریم، در نیمه قرن ششم هجری موجود است. ظاهراً علی بن علوی معروف به خالِع قَسَم، نخستین عضو این خاندان است که در ۵۲۱ ق در تَریم سکونت گزید.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد سادات حضرمی تلاش می‌کردند برای تثبیت موقعیت و جایگاه خویش به عنوان نسلی از خاندان اهل بیت در جامعه اسلامی، نسب‌نامه خود را تنظیم و به شکل رسمی تأیید و تثبیت نمایند. از شواهد این امر، شجره‌نامه‌ای است که در اختیار سید عبداللّه بافقیه، از علما و صوفیان سده سیزدهم و منسوب به خاندان مشهور بافقیه - خاندانی از سادات باعلوی تَریم

۱. شَلّی، المشرع‌الروی فی مناقب السادة الكرام آل ابي‌علوی، ج ۲، ص ۱۸۶؛ ابن‌عَبَّه، عمدة الطالب فی انساب آل ابي طالب، ص ۳۰۱ - ۲۹۶؛ امین، أعيان الشیعة، ج ۳، ص ۵۹ - ۵۸.

در حضرموت - بوده است. وی، طی سفر حج در ۱۲۹۰ - ۱۲۸۹ ق، شجره‌نامه سادات حضرمی را به همراه داشت که ظاهراً توسط مقام «نقیب الأشراف» یا «شیخ حضرمی» تأیید شده بود.<sup>۱</sup>

سادات شهر تریم، عمدتاً جزء طبقات مهم جامعه به شمار می‌آمدند. شمار قابل توجهی از این سادات، در زمره علما، فقها، شعرا، تاجران و صوفیان جای گرفتند. از اواخر قرن ششم هجری به بعد، تعداد زیادی از سادات حضرمی به تدریج از تریم به مناطق مختلف مهاجرت کردند. ظاهراً از میان مناطقی که سادات حضرمی برای مهاجرت برگزیدند، شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا از اهمیت بیشتری برای آنان برخوردار بوده است. آنان پس از مهاجرت به سرزمین‌های یاد شده، توانستند هویت دینی و مذهبی و فرهنگی خویش را حفظ کنند و حتی در سطوح مختلف به فعالیت‌های دینی، سیاسی، علمی و فرهنگی بپردازند.

به رغم اهمیت گروه سادات حضرمی در تاریخ شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا و نقشی که آنان در عرصه‌های گوناگون داشته‌اند، تاکنون پژوهش مستقلی به زبان فارسی درباره آنان انجام نشده و تنها در چند مقاله دایرةالمعارفی به برخی از خاندان‌های آنها مانند باعلوی، بافقیه و بلفقیه پرداخته شده است. با توجه به این کاستی، برآنیم تا مهاجرت سادات حضرمی به شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا را به صورت کلی تبیین نموده و نقش این مهاجران را در عرصه‌های مختلف دینی، سیاسی، علمی و فرهنگی طی قرون دهم تا چهاردهم هجری مورد بررسی قرار دهیم.

#### زمان مهاجرت و دلایل احتمالی آن

درباره زمان دقیق مهاجرت سادات حضرمی به شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا، آگاهی چندانی در دسترس نیست؛ با این حال، به نظر می‌رسد اعراب ناحیه حضرموت (حضرمی‌ها)، از طریق مسیرهای تجاری دریایی در اقیانوس هند، مهاجرت‌های زیادی به مناطق گوناگون شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا داشته‌اند؛ در میان این مهاجران عرب تبار، سادات حضرمی نیز حضور داشتند.<sup>۲</sup> عمده اطلاعات موجود، درباره حضور سادات مهاجر حضرمی در شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا، به قرون دهم تا چهاردهم هجری باز می‌گردد.

با توجه به در دسترس نبودن اطلاعات کافی، می‌توان چنین حدس زد که همانند برخی

1. Khalidi, "The Arabs of Hadramawt in Hyderabad: Mystics, Mercenaries and Money Lender" *Mediaeval Deccan history: Commemoration volume in honour of P. M. Joshi*, P. 52.

2. Martin, *The International Journal of African Historical Studies*, Vol. 7, No. 3, P. 367, 370 - 371.

مهاجرت‌های معمول دیگر، درباره مهاجرت سادات حضرمی نیز عوامل دافعه و جاذبه چندی وجود داشته است. از بین این عوامل احتمالی، می‌توان به مواردی چون شرایط اقلیمی نامناسب، عدم تأمین معاش ساکنان، قحطی و خشکسالی‌هایی که پیوسته حضرموت را در معرض ویرانی قرار می‌داد، اشاره کرد. همچنین، جنگ‌ها و درگیری‌های سیاسی که عمدتاً از سوی بعضی حکومت‌های محلی چون آل کثیر (ح.ک: ۱۳۸۶ - ۷۸۰ ق) و برخی نیروهای خارجی مانند ترکان عثمانی و پرتغالی‌ها جهت تسلط بر منطقه حضرموت، رخ می‌داد نیز قابل ذکر هستند. این قبیل منازعات داخلی و جنگ‌های خارجی، موجب ناامنی برای ساکنان حضرموت می‌گردید. افزون بر اینها در تبیین دلایل و انگیزه‌های مهاجرت سادات حضرمی، باید به حمله گسترده نیروهای تندرو وهابی بعد از سال ۱۲۱۴ ق به منطقه حضرموت که باعث ویرانی و بی‌ثباتی در آن منطقه شدند نیز اشاره کرد. در هر حال، مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و سیاسی و فرهنگی موجود در خاستگاه مهاجران، باعث دور شدن آنها از زادگاهشان شده است. از سویی دیگر، نباید انگیزه‌های اقتصادی، تجاری، علمی و فرهنگی برخی از گروه‌های سادات حضرمی در دوره‌های مختلف را از نظر دور داشت. پاره‌ای از عوامل جاذبه موجود در کوچگاه، مانند وجود شغل مناسب و تسهیل کسب معاش یا دل بستن به حمایت سلاطین حاکم در کوچگاه‌ها نیز در این مهاجرت‌ها موثر بوده است.

#### پراکندگی جغرافیایی سادات حضرمی در شبه‌قاره هند و جنوب شرق آسیا

سادات مهاجر حضرمی، عمدتاً اهل شهر تَریم و متشکل از خاندان‌های بزرگ و با نفوذی چون باعلوی، بافقیه، باحسن، باطاها، بَلْفَقیه، جَمال اللیل، سَقَاف و عیدروس بودند. آنها اغلب در کسوت عالم، صوفی و تاجر به مناطق مختلف هند از جمله شهرهای بندری سواحل غربی هند، شهرهای غیرساحلی واقع در مناطق دکن، مالابار، گجرات و دهلی و همچنین برخی از مناطق جنوب شرق آسیا که از لحاظ سیاسی، فرهنگی و تجاری بسیار با اهمیت بودند، مهاجرت کردند.<sup>۱</sup> سادات حضرمی پس از مهاجرت به کوچگاه‌ها به‌ویژه مناطق مختلف شبه‌قاره هند و جنوب شرق آسیا به سرعت توانستند با محیط‌های جدید تطابق پیدا کنند و به تدریج، جزئی از آن جوامع شوند و در عرصه‌های مختلف دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، نقش‌آفرینی کنند. علاوه بر نسل‌های

1. Serjeant, "The Saiyids of Hadramawt", in *Studies in Arabian History and Civilization*, P. 24; Khalidi, "The Arabs of Hadramawt in Hyderabad: Mystics, Mercenaries and Money Lender" *Mediaeval Deccan history: Commemoration volume in honour of P. M. Joshi*, P. 53 - 52; Khalidi, "Sayyids of Hadramawi " in *Muslim in the Deccan, New Delhi: Global Media Publications*, P. 42 & 44.

نخستین سادات مهاجر حضرمی در کوچگاه‌ها، نسل‌های بعدی نیز با حفظ هویت فرهنگی و دینی خویش و تعلق خاطر به اصل و نسب خود، دارای جایگاه و شأن و منزلت والایی بودند و حتی امروزه نیز برخی از آنان در بسیاری از مناطق هند فعال هستند.

### نقش دینی سادات حضرمی

سادات حضرمی، از شأن و منزلت قابل توجه در بین گروه‌های جامعه مسلمانان هند برخوردار بوده‌اند. آنان در درجه نخست، به‌عنوان اعراب مسلمان در این منطقه رشد و نمو یافته و بر خلاف اکثر مسلمانان هند که دارای مذهب حنفی بودند، از مذهب شافعی پیروی می‌کردند. بنابراین، سادات حضرمی در کنار جمعیت بزرگ حنفی مذهب‌های هند، همچون گروه اقلیت مذهبی محسوب می‌شدند و این موضوع آنان را بر آن داشت که همواره در جهت ترویج مذهب شافعی در برابر مذهب حنفی به سعی و کوشش بپردازند.<sup>۱</sup> با توجه به برخی شواهد (ن.ک: سطرهای پیشین)، به نظر می‌رسد حکام مسلمان وقت شبه قاره هند استقبال خوبی از سادات حضرمی داشتند. این گروه از سادات، در دربار برخی از سلاطین مسلمان شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا راه یافته و از ارج و قرب بالایی برخوردار بودند و حکام مسلمان شبه قاره هند هیچ‌گاه از فعالیت‌های دینی و مذهبی سادات حضرمی جلوگیری به عمل نیاوردند. در نتیجه این آزادی عمل، اعضای خاندان سادات حضرمی در بسیاری از عرصه‌های دینی و مذهبی به فعالیت پرداختند.

بسیاری از علمای سادات حضرمی برای نخستین بار در سده دهم هجری و در دوران مغولان هند، در دهلی حضور پیدا کردند. در این دوره، یکی از همسران همایون به نام حاجی بیگم، در ۹۶۸ ق به سفر حج رفت و به هنگام بازگشت از این سفر، حدود سیصد تن از سادات حضرمی، شیوخ و خدمتکاران عرب را به‌عنوان میهمان به هند آورد. وی برای اقامت و اسکان آنان، محلی به نام «سرای عرب» ایجاد کرد. در میان آنان، افرادی از خاندان‌های مهم و مشهور سادات حضرمی و گاه برخی از علما و صوفیان معروف بودند.<sup>۲</sup>

1. Serjeant, "The Saiyids of Hadramawt", in *Studies in Arabian History and Civilization*, P. 25; Khalidi, "The Arabs of Hadramawt in Hyderabad: Mystics, Mercenaries and Money Lender" *Mediaeval Deccan history: Commemoration volume in honour of P. M. Joshi*, P. 42, 44 - 45.

۲. درگاه قلی‌خان، مرقع دهلی، ص ۳۴؛

Khalidi, "The Arabs of Hadramawt in Hyderabad: Mystics, Mercenaries and Money Lender" *Mediaeval Deccan history: Commemoration volume in honour of P. M. Joshi*, P. 44 - 45

برخی از اعضای خاندان سادات حصرمی که در دربار حکومت های بایریان و عادلشاهیان به فعالیت های دینی می پرداختند، از قاریان و حافظان برجسته قرآن کریم به شمار می آمدند. یکی از معروف ترین آنان، حضرت محمد عرب (متوفی ۱۰۹۵ ق) بود که در دوران سلطنت علی عادلشاه دوم (ح.ک: ۱۰۶۶ - ۱۰۸۳ ق) وارد بیجاپور شد. همچنین یکی از فرزندان او به نام مولانا حافظ عبدالغفور، از قاریان و حافظان قرآن و مورد توجه اورنگ زیب (ح.ک: ۱۱۱۸ - ۱۰۶۸ ق) بود.<sup>۱</sup>

سادات حصرمی در زمینه تصوف اسلامی نیز فعالیت چشمگیری در شبه قاره هند و اندونزی داشته اند؛ به گونه ای که یکی از طریقت های مشهور به نام عیدروسیه، توسط سادات حصرمی در این مناطق رشد و نفوذ یافته است. مؤسس این طریقت، عبدالله بن ابوبکر سکران بن عبدالرحمان سقاف ملقب به شاذلی است.<sup>۲</sup> وی در ۸۱۱ ق، در تریم به دنیا آمد و پدرش او را عیدروس، یعنی زعیم صوفیه لقب داد. عبدالله، در ۱۲ رمضان ۸۶۵ ق درگذشت و در تریم به خاک سپرده شد.<sup>۳</sup>

طریقت عیدروسیه، از طریق نوادگان عبدالله عیدروس، در هند به ویژه در گجرات و اغلب شهرهای دکن و جنوب هند رواج یافت. در دوران مغولان هند / تیموریان هند (ح.ک: ۱۲۷۴ - ۹۳۲ ق)، اعراب آشنا با منطقه گجرات یعنی سادات حصرمی، به آسانی در برخی شهرهای این ایالت چون احمدآباد و سورت ساکن شدند. شمار این مهاجران، بسیار زیاد است. اما از مشهورترین آنان که بیشتر از علما و صوفیان بودند، می توان به شیخ بن عبدالله بن شیخ بن عبدالله عیدروس و فرزندش محی الدین عبدالقادر عیدروس، جعفرالصادق بن علی زین العابدین (۱۰۴۴ - ۹۹۷ ق) و جعفر بن مصطفی بن علی زین العابدین (۱۱۴۲ - ۱۰۸۴ ق)، اشاره کرد.<sup>۴</sup> بسیاری از خاندان عیدروس به شهرهای مختلف دکن نیز مهاجرت کردند. شهر بلگاوم<sup>۵</sup> در جنوب غربی بیجاپور، از دیگر شهرهای دکن است که سادات حصرمی به آنجا مهاجرت کردند. یکی از مهاجران مشهور

۱. عبدالجبار، محبوب ذی المنن تذکرة اولیای دکن، ج ۲، ص ۷۴۸ - ۷۴۷؛

Khalidi, "The Arabs of Hadramawt in Hyderabad: Mystics, Mercenaries and Money Lender" *Mediaeval Deccan history: Commemoration volume in honour of P. M. Joshi*, P.49 - 50

۲. ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۸، ص ۳۹.

۳. شلی، المشرع الروی فی مناقب السادة الكرام آل ابی علوی، ج ۲، ص ۳۴۲ و ۳۶۱.

۴. العیدروسی، تاریخ النورالسافر عن أخبارالقرن العاشر، ص ۳۳۳؛ حسینی موسوی مکی، نزهةالجلس و مئیةالادیب الانیس، ج ۱، ص ۵۵۹ - ۵۶۱؛

Khalidi, "Sayyids of Hadramawi" in *Muslim in the Deccan*, P. 46.

5. Belgaum.

در این شهر، سید عمر عیدروس باشیبیان است.<sup>۱</sup> برخلاف شهرهای بیجاپور و احمدنگر که مهاجران حضرمی زیادی در قرون میانه به آنجا رفتند، در این مقطع، تعداد کمتری از این سادات به شرق دکن یعنی گُلکنده، مهاجرت کردند. احمد بن عبدالله عیدروس، جزو نخستین کسانی بود که به گُلکنده مهاجرت و سرانجام در ۱۰۷۳ ق در حیدرآباد درگذشت. باین حال، در آغاز سده دوازدهم هجری، حیدرآباد مناسب‌ترین مقصد برای سادات حضرمی به شمار می‌رفت. بنابراین، در سده سیزدهم، حیدرآباد بیش از مناطق دیگر پذیرای سادات حضرمی بود. ظاهراً حبیب عیدروس، آخرین شخصیت معروف از سادات حضرمی و از خاندان عیدروس بود که در این سده و در دوره نظام افضل الدوله (ح.ک: ۱۲۸۵ - ۱۲۷۳ ق) وارد حیدرآباد شد. وی پس از چندین سفر به مناطق گوناگون هند، در زمان سلطنت محبوب علیخان (ح.ک: ۱۳۲۹ - ۱۲۸۵ ق) دوباره به حیدرآباد بازگشت.<sup>۲</sup> همچنین این طریقت در مناطق دورتری چون اندونزی و ساحل شرقی افریقا نیز نفوذ یافت. هر چند طریقت عیدروسیه تنها محدود به اعضای خاندان عیدروس باقی ماند و از تأثیر کمتری برخوردار بود.<sup>۳</sup>

شمار زیادی از سادات حضرمی مهاجر به مالابار، با نام‌های مایپلا،<sup>۴</sup> تنگل / تهنگل<sup>۵</sup> - عنوان محترمانه‌ای به زبان مالایی - و در کرالا<sup>۶</sup> با نام تنل<sup>۷</sup> - عنوان محترمانه‌ای به زبان مالایالام - مشهور بودند. خاندان ترمل تنگل<sup>۸</sup> که به تنگل‌های ممبرم<sup>۹</sup> نیز معروف بودند، از جمله خاندان‌های مشهور مالابار به شمار می‌آمدند. سید جُفری / جُفری تنگل (م: ۱۲۲۰ ق)، سرسلسه این خاندان و برادر حسن جفری، از دیگر چهره‌های مشهور و مهم این خاندان است. وی که در مکه مفتی بود، در سده دوازدهم هجری به مالابار مهاجرت کرد و پیوسته بر انتشار دین اسلام در آن منطقه تلاش می‌کرد.<sup>۱۰</sup>

۱. بشیرالدین، *واقعات مملکت بیجاپور*، ص ۱۱۸ - ۱۱۷؛

Khalidi, "Sayyids of Hadramawi" in *Muslim in the Deccan*, P. 48 - 51

۲. عبدالجبار، *محبوب ذی‌المنن تذکرة اولیای دکن*، ج ۱، ص ۱۲۶ - ۱۲۵؛

Khalidi, "Sayyids of Hadramawi" in *Muslim in the Deccan*, P. 51 - 52

3. Trimmingham, *the Sufi Orders in Islam*, P. 73.

4. Mapila.

5. Tangal / Thangal.

6. Kerala.

7. Tannal.

8. Tarml Tangal.

9. Mambaram.

10. Khalidi, "The Arabs of Hadramawt in Hyderabad: Mystics, Mercenaries and Money Lender" in *mediaeval Deccan history: Commemoration volume in honour of P. M. Joshi*, p. 54; Dale, "The Hadhrami diaspora in South Western India: The role of the Sayyids of the Malabar Coast" in *Hadhrami Traders, Scholars, and Statesmen*

حسن جفری / جفری تنگل، در ۱۱۵۹ ق به کالیکوت<sup>۱</sup> آمد و از آنجا به پونانی<sup>۲</sup> در ایالت کیرالا، مهاجرت کرد. او در ۱۱۷۸ ق، مقدمات ازدواج دخترش با یکی از سادات حضرمی به نام سید علوی بن محمد (۱۲۵۹ - ۱۱۶۲ ق) که در سده یازدهم به کالیکوت مهاجرت کرده بود را فراهم کرد. سید علوی بن محمد که در مالابار بسیار مورد احترام بود، مساجد بسیاری در مالابار بنا کرد. وی که مانند پدرش با استعمار اروپایی ها مخالف بود، با صدور فتوا بر علیه آنان، سعی داشت مردم را از پیامدهای حاکمیت انگلیسی ها و به تعبیر خودش «کفار» آگاه کند. سید فضل بن سهل پوکویا تنگل (۱۳۱۹ - ۱۲۳۸ ق)، مشهور به سید فضل میله،<sup>۳</sup> فرزند سید علوی بن محمد، بیشتر از پدرش در مالابار مورد توجه قرار گرفت. او که از سوی انگلیسی ها مظنون به شورش علیه آنان بود - با وجود آنکه این ادعا ثابت نگردید - به حجاز تبعید گردید. وی، هیچ گاه نتوانست دوباره به هند بازگردد و سرانجام در قسطنطنیه وفات یافت.<sup>۴</sup>

بزرگترین مهاجرت گسترده سادات حضرمی به مناطق مختلف جنوب شرق آسیا به ویژه جاوه،<sup>۵</sup> سوماترا،<sup>۶</sup> آچه،<sup>۷</sup> مالایا،<sup>۸</sup> بورنتی،<sup>۹</sup> تیمور<sup>۱۰</sup> و مناطق دورتری چون فیلیپین بوده است. آنان که پیوسته می کوشیدند اسلام را در این مناطق منتشر کنند، اغلب جایگاه خوبی در جامعه مسلمان این نواحی داشتند. برخی از آنان به واسطه ازدواج با دختران سلطان نشین های محلی، از نفوذ زیادی در دربار آنان برخوردار گشتند. احمد بن حسین جمال اللیل، نخستین شخص از

---

*in the Indian Ocean*, 1750 — 1960, P. 177; Khalidi, "Sayyids of Hadramawi" in *Muslim in the Deccan*, P. 53 — 54; Hassain Randathani, *Mappila Muslims: A study on society and anti colonial struggles*, P. 119; Ulrike, *Indian Ocean Migrants and state formation in Hadhramaut, Reforming the homelands*, P. 217 .

1. Calicut.
2. Ponnani.
3. Moplah.
4. Khalidi, "The Arabs of Hadramawt in Hyderabad: Mystics, Mercenaries and Money Lender" in *mediaeval Deccan history: Commemoration volume in honour of P. M. Joshi*, P. 54; Dale, "The Hadhrami diaspora in South-Western India: The role of the Sayyids of the Malabar Coast" in *Hadhrami Traders, Scholars, and Statesmen in the Indian Ocean*, P. 177; Khalidi, "Sayyids of Hadramawi" in *Muslim in the Deccan*, p 53 - 54; Randathani, *Mappila Muslims: A study on society and anti colonial struggles*, P. 119; Freitag, *Indian Ocean Migrants and state formation in Hadhramaut, Reforming the homelands*, P. 217.
5. Java.
6. Sumatra.
7. Acheh.
8. Malaya.
9. Borneo.
10. Timor.



سادات حضرمی بود که در ۱۱۴۸ ق در قح<sup>۱</sup> در مالایا ساکن شد. وی، از علمای مشهور به شمار می‌رفت و شهرتش باعث شد که بتواند با تنگکو سفیه<sup>۲</sup>، دختر سلطان عزالدین، سلطان نشین سلانگور<sup>۳</sup> (۱۲۱۹ - ۱۲۱۳ ق)، در مالایا، ازدواج کند. لقب تنگکو که مختص خاندان سلطنتی پهنگ<sup>۴</sup> در مالایا بود، به ساداتی که با دختران سلاطین ازدواج می‌کردند، اعطا می‌شد. تنگکو سید عمر بن عبدالرحمن حبشی، از جمله این سادات بود که با دختر بندهارا علی (م: ۱۲۷۳ ق)<sup>۵</sup>، سلطان نشین پهنگ، ازدواج و این لقب را دریافت کرد.<sup>۶</sup>

اهمیت و اعتبار سادات حضرمی در عصر حاضر، به اندازه‌ای زیاد است که برخی از آنان در جنوب هند به‌ویژه در شهر بلگاوم حضور دارند و دارای رهبری معنوی هستند. این رهبری، اغلب بر عهده فرزندان سید عمر عیدروس باشیبان - که هم اکنون در جنوب هند فعال هستند - است. سید شاه علی پاشا اینمدار<sup>۷</sup> که از اعقاب سید عمر عیدروس بود، در سال ۱۴۲۲ ق و پس از اینکه برادر بزرگش تصمیم گرفت به کارهای تجاری بپردازد، به عنوان رهبر معنوی این خاندان انتخاب گردید.<sup>۸</sup>

#### نقش سیاسی سادات حضرمی

شماری از سادات حضرمی، در عرصه‌های نظامی و سیاسی حکومت‌های شبه‌قاره هند و جنوب شرقی آسیا فعال بودند. شیخ عبدالله حبیب عیدروس، در دربار نظام شاهیان در احمدنگر (ح.ک: ۱۰۴۸ - ۸۹۵ ق) و همچنین عادل شاهیان در بیجاپور (حک: ۱۰۹۷ - ۸۹۵ ق) راه یافت و مورد توجه آنان قرار گرفت. سید جعفر سقاف (م: ۱۰۷۳ ق)، از سادات حضرمی بود که به بیجاپور مهاجرت کرد و به دلیل راهکار جنگی‌ای که جهت عقب راندن دشمنان به کاربرد، مورد عنایت سلطان محمد عادل شاه (حک: ۱۰۸۳ - ۱۰۳۵ ق) قرار گرفت. ابوبکر بن حسین بن عبدالرحمان بَلْفَقِیه نیز پس از سفر به نواحی مختلف هند، سرانجام در بیجاپور سکونت گزید و تا زمان وفاتش

1. Kedah.

2. Tangku Safiah.

3. Selangor.

4. Pahang.

5. Bendahara Ali.

6. Serjeant, "The Saiyids of Hadramawt", in *Studies in Arabian History and Civilisation*, P. 24 - 25; Tang Abdullah, "Arab Hadhramis in Malaysia: Their origins and Assimilation in Malay society" in *The Hadhrami Diaspora in Southeast Asia: Identity maintenance or Assimilation?*, P. 47 - 48.

7. Ali Pasha Innamdar.

8. Khalidi, "Sayyids of Hadramawi" in *Muslim in the Deccan*, P. 50 - 51

(۱۰۷۴ ق) از حمایت محمود عادل شاه (ح.ک: ۹۶۲ - ۹۶۱ ق) برخوردار بود.<sup>۱</sup> سید مجاهد عبدالرحمن بن محمد زهیر، منصب «جمعدار» در نیروهای نامنظم نظام های حیدرآباد دکن (ح.ک: ۱۳۶۷ - ۱۱۳۷ ق) را بر عهده داشت. همچنین در واحدهای نظامی مدرن یا منظم سده چهاردهم هجری، سید احمد عیدروس، فرمانده ارتش نظام های حیدرآباد در برابر ارتش هند در نبرد ۱۳۶۷ ق بود.<sup>۲</sup>

یکی از مهم ترین و مشهورترین چهره های سادات حضرمی که در عرصه سیاسی هند فعالیت چشمگیری داشت، سید عبدالرحمن بافقیه تنگل بود. وی در ۱۳۲۴ ق در کراالا به دنیا آمد؛ پدرش عبدالقادر بافقیه و مادرش فاطمه مولا بیوی<sup>۳</sup> نام داشت. سید عبدالرحمن بافقیه نزدیک به دو دهه یعنی از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۳ ق رئیس مسلم لیگ<sup>۴</sup> در کراالا، یکی از مهم ترین احزاب مسلمانان شبه قاره هند گردید. سید عبدالرحمن بافقیه تنگل علاوه بر فعالیت های سیاسی، در زمینه های علمی و تجاری نیز بسیار شهره بود و سرانجام در ۱۳۹۳ ق درگذشت. جایگاه سادات حضرمی در عرصه سیاسی جامعه مسلمانان کراالا به گونه ای بود که حتی پس از مرگ این عضو برجسته حزب، یکی دیگر از سادات حضرمی، ریاست آن را برعهده گرفت.<sup>۵</sup>

به نظر می رسد، نقش سادات حضرمی در عرصه های نظامی و سیاسی مناطقی که بدان مهاجرت کردند بسیار زیادتر و پررنگ تر از اطلاعات فوق بوده باشد. هرچند، اغلب تحقیقات جدیدی که درباره این گروه از سادات به انجام رسیده، تنها به جنبه های دینی و مذهبی یا سهم آنان در گسترش علوم اسلامی در مناطق یاد شده پرداخته و از این مهم غافل مانده اند. با این حال، همین مقدار اندک نیز نشانگر میزان اهمیت و اعتبار آنان در سطوح کلان سیاسی و نظامی مناطقی است که به آن مهاجرت کردند.

#### نقش علمی و فرهنگی سادات حضرمی

علماء، صوفیان و فقهای سادات حضرمی آثار بسیاری در حوزه های گوناگون، به زبان های عربی و اردو نوشته اند. از میان این آثار متعدد، می توان به چند اثر مهم و معروف اشاره کرد. کتاب تاریخ

۱. بشیرالدین، *واقعات مملکت بیجاپور*، ص ۱۱۸ - ۱۱۷؛

Khalidi, "Sayyids of Hadramawi" in *Muslim in the Deccan*, .P. 48 - 51.

2. Ibid, .P. 51 - 52

3. Fathima Mulla Beevi.

4. Muslim League.

5. Khalidi, "Sayyids of Hadramawi" in *Muslim in the Deccan*, .P. 51 - 52, 54 - 55.

*النور السافر عن أخبار القرن العاشر*، نوشته محی‌الدین عبدالقادر بن شیخ عبدالله عیدروسی، از اعضای وابسته به خاندان عیدروس و عضوی از گروه سادات حضرمی، یکی از مهم‌ترین کتب تراجم به زبان عربی است. اصل و نسب نویسنده، به یکی از مشهورترین خاندان‌های سادات حضرمی یعنی خاندان عیدروس که شافعی مذهب بودند، می‌رسد. محی‌الدین عبدالقادر عیدروسی به گجرات مهاجرت کرد و در شهر احمدآباد ساکن شد و کار تألیف این اثر را نیز در همین شهر و در ۱۰۱۲ ق به پایان رساند.<sup>۱</sup> این اثر که به زبان عربی نگاشته شده، به شیوه سال‌شمار به شرح حال علما، صوفیان و شعرای قرن دهم هجری در مناطق گوناگون جهان اسلام چون ایران، مصر، حجاز، گجرات و دکن می‌پردازد. از میان همه این مناطق، نویسنده توجه ویژه‌ای به علما و صوفیان احمدآباد گجرات، حضرموت یمن یا کسانی که به دکن مهاجرت کرده اما اصل و نسبشان به حضرموت باز می‌گردد، دارد. همچنین او عمدتاً به شرح حال شافعی مذهب‌ها پرداخته، اما در مواردی نیز شرح حال علمای مشهور حنبلی و حنفی مذهب را نیز آورده است. بنابراین اثر او را می‌توان یکی از مهم‌ترین و معتبرترین تراجم عربی، درباره شرح حال سادات حضرمی در گجرات و دکن، به‌ویژه خاندان عیدروس در قرن دهم هجری دانست.

سادات حضرمی علاوه بر تدوین کتب به زبان عربی، در دوره‌های متأخرتر مثل دوره نظام‌های حیدرآباد دکن / آصفجاییان (حک: ۱۳۶۷ - ۱۱۳۷ ق) که تدوین کتب علمی به زبان اردو رواج یافته بود، آثار خویش را به زبان اردو نیز نگاشته‌اند. کتاب *فرهنگ آصفیه*، نگاشته سید احمد دهلوی (۱۳۳۸ - ۱۲۶۲ ق)، از جمله این آثار ارزشمند است.<sup>۲</sup>

دهلوی در مقدمه کتاب *فرهنگ آصفیه* اشاره داشته که، نسب او به سادات حسنی و حسینی بخارا می‌رسد و سرسلسله خاندان او عبدالقادر گیلانی (۵۶۲ - ۴۷۰ ق)، بنیان‌گذار طریقت قادریه و از علما، صوفیان و محدثان مشهور قرن چهارم و پنجم هجری بوده است اما ایشان به طور مستند تنها هشت تن از اجداد خویش را برمی‌شمرد و اشاره می‌کند شجره نامه خاندان او در سانحه آتش سوزی ۱۳۳۱ ق از بین رفته و بخش‌هایی از آن برجای مانده است. این هشت تن که اغلب از بزرگان و عالمان دینی و صوفی بودند در دوره بابریان به هند مهاجرت کردند و برخی از آنان در دربار آنان مناصب گوناگونی را برعهده داشتند، اما نخستین شخص از خاندان وی که

۱. العیدروسی، *تاریخ النور السافر عن أخبار القرن العاشر*، دارالکتب العلمیه، ص ۴۲۸؛ حسینی موسوی مکی، *نزهة المجلس و تئیه الأدیب‌الانیس*، ج ۱، ص ۵۶۱ - ۵۵۹.

2. Khalidi, "Sayyids of Hadramawi" in *Muslim in the Deccan*, P. 45.

به دهلی آمد، سید عبدالرحمن، پدر سید احمد دهلوی بود که در آنجا با دختر یکی از سادات حضرمی که در «سرای عرب» ساکن بود، ازدواج کرده بنابراین سید احمد دهلوی از طرف مادری به سادات حضرمی نسب می‌برد و همچنین دایی او سید عبدالله بافقیه، یکی از مشهورترین سادات حضرمی در دهلی بود.<sup>۱</sup>

سید احمد دهلوی در زمان حکومت میرعثمان علیخان آصفجاه هفتم (ح.ک: ۱۳۶۷ - ۱۳۲۹ ق) - آخرین نظام حیدرآباد - به دربار نظام‌ها / آصفجاهیان راه یافت. سید احمد به دستور میرعثمان کتاب فرهنگ آصفیه را که نخستین فرهنگ لغت اردو - اردو است، در حدود ۱۳۰۶ ق نگاشت. به نظر می‌رسد، با وجود اینکه سادات حضرمی عمده آثار خویش را به زبان عربی نگاشته‌اند اما به دلیل رواج زبان اردو در اواخر دوره نظام‌های حیدرآباد دکن و حمایت آنان از این زبان - که در نتیجه آن موجب گسترش متون علمی به زبان اردو اعم از تاریخی، جغرافیایی، ادبی، دینی و مذهبی شد - در تألیف این اثر به این زبان بی‌تأثیر نبوده است. به هر روی، اهمیت این فرهنگ لغت در این است که دهلوی علاوه بر معنی و شرح لغات و آوردن مثال‌های گوناگون برای واژه‌ها، به اعراب‌گذاری روی الفاظ و صحت املا و تأیید و تذکیر لغات توجه داشته و از همه مهم‌تر به محاورات عامیانه زبان اردو نیز پرداخته است. بنابراین، این اثر جامع و مفید که از شهرت زیادی میان اردو زبانان و پژوهشگران برخوردار است، یکی از مهم‌ترین فرهنگ لغت‌های اردو - اردو به شمار می‌آید که مبنای آثار مشابهی پس از خود قرار گرفت.

سادات حضرمی در دیگر زمینه‌های علمی نیز فعال بوده و دست به تألیف و ترجمه آثار ارزشمندی زده‌اند. درزمینه پزشکی، سید عمر عیدروس باشیبان کتاب *نوادرات الطیبه* را که رساله‌ای در این حوزه است، به زبان عربی نگاشت. در زمینه تصوف، جعفر السقاف، یکی از اعضای سادات حضرمی و از شخصیت‌های پرنفوذ در دربار نظام شاهیان احمدنگر، کتاب *سفینه الأولیاء*، نوشته داراشکوه - از شاهزادگان گورکانی هند و فرزند شاه جهان که از دانشوران و ادیبان و شاعران پارسی بود - را که از مهم‌ترین و مشهورترین آثار به زبان فارسی - که درباره سلسله نقشبندی، سلسله عارفان جنیدی و قادری، مشایخ چشتیه، کبرویه و سهروردیه است - به زبان عربی ترجمه کرد.<sup>۲</sup>

سادات حضرمی در جنوب شرق آسیا نیز در زمینه‌های علمی و فرهنگی همچنان فعالیت

۱. دهلوی، فرهنگ آصفیه، ج ۱، ص ۱۵ - ۱۲.

۲. برای آگاهی بیشتر درباره آثاری که سادات حضرمی در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی نگاشته‌اند: See: Khalidi, "Sayyids of Hadramawi" in *Muslim in the Deccan*, P. 46-47.

می‌کردند. آنان در اوایل قرن چهاردهم / بیستم، مؤسسه آموزشی «جمعیت الخیر» را در باتاویا<sup>۱</sup> تأسیس کردند که کار اصلی آن آموزش قرآن و تعالیم دینی به زبان عربی به کودکان بود. استعمارگران اروپایی این منطقه، دو دسته مدرسه یکی برای اروپایی‌ها و دیگری برای چینی‌ها، فراهم کرده بودند. بنابراین سادات حضرمی با مشاهده این اوضاع و اینکه عملاً کودکان آنان قادر به ادامه تحصیل نبودند، در اندیشه تأسیس مدرسه‌ای ویژه فرزندان خود افتادند تا اینکه مدرسه جمعیت الخیر با حمایت برخی تاجران این خاندان بنا گردید که یکی از نخستین بنیان‌گذاران آن، عبدالله بن علوی العطاس بود.<sup>۲</sup>

### نتیجه

سادات حضرمی به عنوان یکی از پرنفوذترین گروه‌های سادات، نخست هسته اصلی خود را در شهر تریم حضرموت شکل دادند. تعداد زیادی از سادات حضرمی به دلایل گوناگونی چون شرایط زیست محیطی نامناسب در منطقه حضرموت و نیز آشوب‌های سیاسی پیاپی در آنجا، به وسیله مسیرهای دریایی در اقیانوس هند به مناطق مختلف شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا مهاجرت کردند. با وجود مهاجرت تدریجی برخی از اعضای این خاندان، از نفوذ و اعتبار آنان کاسته نشد و توانستند چندین قرن این اعتبار را حفظ کنند. آنان علی‌رغم مهاجرت به سرزمین‌های مختلف و وجود مذاهب گوناگون در کوچگاه‌ها همچنان بر حفظ هویت دینی و مذهبی خویش تأکید داشتند و همواره می‌کوشیدند اسلام را میان مردمان شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا منتشر کنند و به خصوص بر معرفی و نشر مذهب شافعی میان مردمان مسلمان هند تلاش جدی داشتند. به نظر می‌رسد، در اقلیت بودن آنان به عنوان مسلمانان شافعی مذهب در جامعه مسلمان هند که بیشتر آنها بر مذهب حنفی بودند، بر تلاش‌های سادات حضرمی در جهت نشر و گسترش مذهب خویش تأثیر زیادی داشته است. آنان علاوه بر فعالیت‌های دینی، اغلب بر طریقت‌های مختلف تصوف نیز گرایش داشته و برخی از آنان چون عبدالله بن ابوبکر سکران بن عبدالرحمان سقاف، ملقب به شاذلی، بنیان‌گذار طریقت تازه‌ای به نام عیدروسیه بودند. سادات حضرمی عمدتاً از نیروهای مورد اعتماد و کارآمد در دربار سلاطین به شمار می‌آمدند، به شکلی که سلاطین، برخی از مهم‌ترین مناصب نظامی و سیاسی را بر عهده آنان گذاشته‌اند یا حتی برخی از آنان ریاست

1. Batavia.

2. Freitag, *Indian Ocean Migrants and state formation in Hadhramaut, Reforming the homelands*, P. 233-234

یکی از مهم‌ترین احزاب هند یعنی «مسلم لیگ» در کراالا را عهده‌دار بودند. این خاندان، علاوه بر تلاش‌هایی که در عرصه‌های دینی، مذهبی، سیاسی و نظامی ایفا کردند، در حوزه علم و فرهنگ نیز آثار بی‌شماری به زبان‌های عربی و اردو نگاشته یا ترجمه کرده‌اند که برخی از آنان چون کتاب *تاریخ النور السافر عن أخبار القرن العاشر و فرهنگ آصفیه*، جزو مهم‌ترین آثار در حوزه تراجم نویسی و فرهنگ نویسی به شمار می‌آیند که در هند نوشته شده‌اند. بنابراین، سادات حضرمی از طریق تألیف آثار عربی، پیوسته بر حفظ هویت فرهنگی خود در کوچگاه‌هایی که زیانش متفاوت بوده، اصرار ورزیده‌اند. اهمیت و اعتبار سادات حضرمی حتی امروزه نیز پابرجا است. آنان در برخی نقاط هند به ویژه شهر بلگاوم - در جنوب هند - تشکل‌های دینی دارند که رهبر معنوی - که از میان خود آنان انتخاب می‌گردد - آن را اداره می‌کند.

### منابع و مآخذ

۱. ابن عماد، عبدالحی بن احمد، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، بیروت، دارالمسیره، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م.
۲. ابن عنبه، علی بن حسین، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۳۸۳.
۳. العیدروسی، محی‌الدین عبدالقادر بن شیخ بن عبدالله، *تاریخ النور السافر عن أخبار القرن العاشر*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.
۴. امین، محسن، *أعیان الشیعة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۵. بشیرالدین، احمد، *واقعات مملکت بیجاپور*، بی‌نا، آگره، ۱۹۱۵ م.
۶. حسینی موسوی مکی، سید عباس، *نزہة الجلیس و منیة الأادیب الانیس*، قم، مطبعة الحیدریه، ۱۴۱۷ ق / ۱۳۷۵.
۷. درگاه قلی خان ذوالقدر، *مرقع دهلی*، تاج پریس، (حیدرآباد دکن)، چاپ مظفر حسین، بی‌نا.
۸. دهلوی، سید احمد، *فرهنگ آصفیه*، لاهور، سنگ میل، ۱۹۸۶ م.
۹. شلی، محمد بن ابوبکر، *المشعر الروی فی مناقب السادة الکرام آل ابی علوی*، جدّه، بی‌نا، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م.
۱۰. عبدالجبار، مولوی ابوتراب محمد، *محبوب ذی‌المنن تذکرة اولیای دکن*، مطبع رحمانی، حیدرآباد دکن، چاپ سنگی، ۱۳۳۲ / ۱۳۱۳ ق.

11. Dale, Stephen, "*The Hadhrami diaspora in South-Western India: The role of the Sayyids of the Malabar Coast*" in *Hadhrami Traders, Scholars, and Statesmen in the Indian Ocean, 1750-1960*, edited by U. Freitag & W.G. Clarence Smith, Leiden: Brill, 1997.
12. Freitag, Ulrike, *Indian Ocean Migrants and state formation in Hadhramaut, Reforming the homelands*, Leiden, Boston: Brill, 2003.
13. Khalidi, Omar, "*The Arabs of Hadramawt in Hyderabad: Mystics, Mercenaries and Money Lender*" in *mediaeval Deccan history: Commemoration volume in honour of P. M. Joshi*, edited by, A. R. Kulkarni, M. A. Nayeem, T.R. de Souza, Bombay: Popular Prakashan, 1996.
14. Khalidi, Omar, "*Sayyids of Hadramawi*" in *Muslim in the Deccan*, New Delhi, Global Media Publications, 2006.
15. Martin, B. G, Arab Migrations to East Africa in Medieval Time, *The International Journal of African Historical Studies*, Vil. 7, No.3, P. 367-390, 1974.
16. Randathani, Hassain, *Mappila Muslims: A study on society and anti colonial struggles*, Calicut, Kerala: Other Books, 2007.
17. Serjeant, R. B, "*The Saiyids of Hadramawt*", in *Studies in Arabian History and Civilisation*, London, Variorum Reprints, 1981.
18. Tang Abdullah, Abdul Rahman, "*Arab Hadhramis in Malaysia: Their origins and Assimilation in Malay society*" in *The Hadhrami Diaspora in Southeast Asia: Identity maintenance or Assimilation?*, Edited by Ahmed Ibrahim Abushouk & Hassan Ahmed Ibrahim, Leiden: Brill, 2009.
19. Trimingham, Spencer, *the Sufi Orders in Islam*, London, Oxford University Press, 1971.

